



ضرورت های تأسیس جهادسازندگی به روایت یکی از پیشکسوتان این نهاد انقلابی

آغاز انقلاب با باز سازی ویرانی ها

پیروزی انقلاب اسلامی نظام ارزشی و مدیریت جامعه را با تحولی بسیار عمیق روبه‌رو کرد. لزوم تغییر ساخت‌ها و سازمان‌های اداری به‌شدت احساس می‌شد.به‌دنبال این امر بود که سازمان‌ها و نهادهایی با رویکردهای ایدئولوژیک، متناسب با کارکردهای ویژه و به منظور از بین بردن شکاف‌های به وجود آمده ناشی از اجرای سیاست‌های رژیم گذشته بی‌ریزی شد. یکی از مهم‌ترین نقاط ضعف الگوی توسعه قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، بی‌توجهی به بخش روستایی و به‌طور کلی مناطق محروم کشور بود. با وجود این که زندگی روستایی بیش از نیمی از جمعیت کشور را در بر می گرفت، سرمایه‌های ناشی از فروش نفت که اصلی‌ترین سرمایه مادی کشور محسوب می‌شد، عمدتاً به سوی زندگی شهری سرازیر شد. این امر منجر به شکاف عمیقی بین مناطق شهری و روستایی شد. جهت از بین بردن شکاف موجود و فاصله بین مناطق شهری و روستایی و رسیدن به وضعیت مطلوب، جامعه روستایی، نیازمند انجام اصلاحات وتغییراتی عمیق ودرعین حال سریع بود. برای انجام این مهم، ساختار اداری مناسبی وجود نداشت وساختار به جا مانده از رژیم قبلی، مبتلا به مشکلات و نابسامانی‌های متعددی بود. بدین منظور سازمان‌ها و نهادهای جدیدی برای توسعه بخش روستایی جهت زدودن فقر و محرومیت، ایجاد وتوسعه امکانات رفاهی در مناطق محروم و ایجاد زیرساخت‌های روستایی به وجود آمد.تأسیس جهاد سازندگی در خرداد ماه سال ۱۳۵۸ پاسخی به این نیاز بود و هدف از تشکیل آن، بسیج امکانات و آمادگی برای انجام امور تهیه و اجرای مؤثر و سریع طرح‌های سازندگی واحیای جامعه در تمام ابعاد معنوی و مادی آن و تأکید بر نیازهای روستایی ونقاط دورافتاده کشور بود. به‌طور خلاصه اهم ضرورت‌های تأسیس جهاد سازندگی را به این شرح می‌توان برشمرد:

● ترمیم خرابی‌های رژیم گذشته بویژه در مناطق روستایی وعشاری کشور

● محرومیت‌زدایی وارائه خدمات گسترده عمرانی، رفاهی، بهداشتی وآموزشی به روستاییان وعشاری
● ابلاغ و انتقال پیام انقلاب اسلامی به دورافتاده‌ترین مناطق روستایی که عمدتاً توسط عناصر وگروه‌های ضدانقلاب آماج توطئه بودند
● فراهم آوردن زمینه حضور ومشاورت گسترده روستاییان در عرصه تولید و خودکفایی غذایی در کشور
● ناتوانی و ضعف مفراط دستگاه‌های سنتی موجود ولزوم بسیج تمام امکانات ونیروها برای آبادانی کشور

■ وضعیت مناطق محروم پیش از انقلاب اسلامی

پهلوی به جای مانده بود، ویرانه‌هایی بود که سکنانش با فقر مادی وغیرمادی دست به گریبان بودند. دامنه فقر ومحرومیت آنچنان گسترده بود که شرایط رفح ابتدایی‌ترین نیازها نیز در روستاها با وجود نداشت با مردم را به مضیقهِ می‌انداخت. خطرات زیادی از جهادگران در مناطق روستایی نقل شده است که از وضع هولناک معیشت روستاییان در مناطق محروم خبر می‌داد، به‌عنوان مثال، در روستای امام حسن(ع) از توابع بندر گناوه (مانند بسیاری از روستاهای دیگر)، آب آشامیدنی مردم روستا، از چاه‌هایی تأمین می‌شد که در فصول باران‌زا آب در آنها جمع شده و مردم در باقی سال از همان آب استفاده می‌کردند. چاه‌هایی که بتدریج پرمی‌شد از انواع کرم‌ها وباکتری‌ها وجهادگران برای سامان دادن به این مناطق برای مدت‌ها در چنین وضعیت‌هایی در کنار روستاییان زندگی می‌کردند. چنین وضعیتی در بسیاری از روستاها وضعیتی رایج وشایع بود. تمرکز اصلی رژیم پهلوی بر شهرها و

همکاری ادارات وسازمان‌های دولتی و خصوصی ولی با مسئولیت واعتبارات خود به اجرای آنها اقدام خواهد کرد.

همکاری با ادارات در اجرای طرح‌ها وانجام وظایف آنها وایجاد تحرک وتحول در آنها.

با دقت دراین اساسنامه خصایص وویژگی‌های عمده جهاد سازندگی را به‌عنوان یک نهاد انقلابی می‌توان در تأکید بر موارد ذیل برشمرد:

- تأکید بر مشارکت و جلب همکاری مردم (مردم‌گرایی در جهاد از بدو تأسیس)
- بهره‌گیری از فرهنگ اسلامی در سازندگی جامعه (دین‌محوری در جهاد)
- توجه خاص به مناطق محروم (مردم‌گرایی)
- دوری از فرهنگ پیچیده وبوروکراسی دست وبگیر ورازداداری (بومیایی ونواوری در ساختار سازمانی)
- اجرای سریع ومؤثر طرح‌ها با بسیج امکانات واستعدادهای موجود در کشور (بومیایی ونواوری)

■ تشکیل وزارت جهادسازندگی

اهمیت تحقق اهداف و خصوصیات مذکور در جمهوری اسلامی به تأسیس وزارت جهاد سازندگی با محوریت محرومیت‌زدایی منجر گردید وسبب شد که مبحث توسعه روستایی در دستور کار قرار گیرد. پس از تشکیل سازمان جهاد سازندگی در خرداد ماه ۱۳۵۸ و فعالیت‌های ارزنده‌ای که این نهاد انقلابی در بخش‌های گوناگون به انجام رساند، جهت انسجام هر چه بیشتر این نهاد در چهارچوب قانون، لایحه تشکیل وزارت جهاد سازندگی در ۷ آذر ۱۳۶۲ مجلس شورای اسلامی به تصویب نهایی نمایندگان ود در تاریخ ۱۳۶۲/۹/۱۷ نیز به‌تأیید شورای نگهبان رسید.

در فصل اول این لایحه اهداف تشکیل وزارت جهاد سازندگی به این شرح ذکر شد:

الف - حرکت به سوی استقلال و خودکفایی کشور باتلاش در جهت بهبود وضع اقتصادی واجتماعی کشور به‌طور عام وبهبود وضع اقتصادی واجتماعی روستاهاومناطق عشایری از طریق توسعه کشاورزی، دامداری صنایع روستایی وبازسازی ویرانی‌ها و همکاری دستگاه‌های اجرایی مربوطه و اقشار مختلف مردم به‌طور خاص.

ب - ایجاد زمینه[های مناسب] جهت رشد شخصیت‌والای انسانی روستاییان از طریق مشارکت ونظارت آنان در فعالیت‌های روستایی.

ج - بسیج اقشار مردم، جهاد سازندگی روستاها و فراهم کردن امکان تلاش برای نیروهای مؤمن و ابتکارگر جامعه ورشد وتکامل آنها.

■ پشتیبانی جهاد مناطق جنگی

علاوه بر شهرهایی که به‌طور کلی ویران شده یا خسارت دیده بودند، تا مرداد ماه سال ۱۳۶۱، تعداد ۱۱۵۷ روستای ایران نیز مستقیماً درگیر اثرات جنگ بودند.»

■ روحیات ابتراگرگی جهادگران جهادسازندگی هم‌زیستی با مردم

در پی فرمان امام در راستای محرومیت‌زدایی از مناطق روستایی و محروم کشور، جمعی از دانشجویان وجوانان تحصیل‌کرده، از سر تعهد و ایمان قلبی، به فرمان امام اقتدا کرده وبه سوی مناطق محروم سفر می‌کنند تا عوامل وشرايط محرومیت را بررسی وناتایج را برای کمیته‌های مرکزی ارسال کنند. از خلال این بررسی‌ها بود که اولاً عمق محرومیت این روستاها بیش از پیش آشکار گردید وتأثیرا میزان وظیفه ورسالتی که بر دوش این افراد قرار گرفت دوصد چندان شد. این افراد، که اغلب در محیط‌های شهری وبعضاً در خارج از کشور رشد کرده و آموزش دیده بودند، اکنون ناگزیر بودند که خود را با شرایط اغلب بسیار دشوار زندگی در محیط‌های روستایی وفق دهند وتوانند در آن بخش‌ها کار کنند؛ محیط‌هایی که در بسیاری از موارد فاقد هر گونه امکانات اولیه زندگی بامعیارهای مدرن بود. بسیاری از این افراد کسانی بودند که سال‌ها در خارج از ایران زندگی کرده بودند وتصور حضور آنان در این مناطق و برای مدت‌های طولانی تنها حکایت از ابتلاگری آنان داشت وبس. روایت‌های بسیاری در خصوص دشواری‌های طاقت‌فرسای زندگی وکار در این محیط‌ها ذکر شده است.مناطق محرومیت‌زدایی در حد یک شعار ظاهری وزینتی باقی مانده بود. نه در این‌که اهداف وآرمان‌های انقلاب شکوهمند ملت ایران، والا ودر عین حال دست‌یافتنی بود، شک داریم نه تردید داریم مکانی که امروز در آن ایستاده‌ایم، مقصد غایی ومقصود نهایی ما نبوده ونیست، اما این موضوع، ذرفای از بار تعهد ومسئولیت‌پذیری اجتماعی ما در تالش برای رفع موانع جاری واصلاح وضع موجود نمی‌کاهد. مسئولیتی که رئیس وعضوس، دولت وملت، شهروند وکارمند نمی‌شناسد. این حس مسئولیت‌پذیری برای اصلاح کژی‌ها، یعنی همان «تعهد انقلابی» که بنیانگذار جمهوری اسلامی حضرت امام خمینی (ره) نیز معتقد بود: «امروز مسئولیت‌پذیری که است که در کاری که مشغول آن است مسئولیت کند، در آن کار بیگاری کند یا وادار کند اشخاصی را که آنها کم‌کاری کنند، از زیر بار شانه خالی کنند که این ضربه‌ای است به کشور خودشان.» همان - جلد ۱۲ - ص یعنی «ضد انقلاب»هایی در لباس «شبه‌خودی» یا شاید به‌قول معروف «گرگی در لباس میش.» خودی،نعمانی‌هایی که شاید معاند، مخالف ومغرض نیستند وحتی در کنارمان باشند یا اصلاً گهگاهی در وجود خودمان نهاده‌ینه شده باشد اما همه ما نمی‌دانیم که با کم‌رنگ شدن حس مسئولیت‌پذیری و وجدان کاری با همان «تعهد انقلابی»، به چه سادگی تبدیل به یک ضد انقلاب می‌شویم.پس از گذشت ۲۲ سال از استقرار نظام جمهوری اسلامی، برخی با همین بی‌مسئولیتی‌ها و بی‌تفاوتی‌ها یا کم‌کاری‌ها و سستی‌ها، به‌قول معروف آئی نبوده‌و نیستند که باید باشند واین رویه راحتی در جامعه ایجاد ناراحتی وناراضیتی می‌کنند. از رئیس و مدیر تا کارمند وشهروند عادی جامعه، می‌توانند با رفتارشان - خواسته یا ناخواسته - برخی از اهداف وآرمان‌های اولیه انقلاب اسلامی را به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم هدر افرا داده ونهایتاً با ایجاد بی‌اس، دلخوری، سرخوردگی ونامیدی در دل وجان این مردم رنج‌کشیده اما صبور ومقاوم، ماهیت اصلی انقلاب را - که متکی بر حضور متعهدانه ومسئولانه ملت است - دچار استحاله وتغییر کرده وموریا نه‌وار «محور همه اصول وقواعد انقلاب وپامان(ره)» را از درون تهی کنند.تیشه‌هایی که هر ضریبتی می‌تواند از جنس «فریاد خاوهوشی» باشد که با فرایگر شدن آن به‌مرور زمان، آرمان‌ها واصل واهداف شاخص انقلاب اسلامی شکل وشمالی دیگری به خود گیرد واین قلب ماهیت نیز نبوت ملی ومیهنی ما را دستخوش تغییراتی اساسی خواهد کرد.

انقلابی‌نمایی با انقلابی گری تفاوت دارد. همان‌طور که منفعت‌گرایی و فرصت‌طلبی، فرسنگ‌ها با اخلاق مداری و ارزش‌گرایی فاصله دارد؛ برای حرکت بی‌وقفه به‌سوی تقویت وترویج آرمان‌ها واهداف والا انقلاب اسلامی، لازم است هرکس در هر جایگاهی به‌عنوان یک «انقلابی حقیقی» در حد توانمند، مسئولیت و مأموریتی خود برای رفع نواقض جاری ومشکلات موجود تلاش کند. تلاش وكوششی به منظور نیل به «آنچه که باید باشیم» که زمان ومکان نمی‌شناسد و هدف نهایی آن، تشکیل مدینه فاضله‌ای است که آرمان انقلاب اسلامی و آرزوی ملت شریف ما بوده است. مسئولیت اجتماعی یا همان تعهد انقلابی به ما می‌گوید انقلابی نما نباشیم واگر به‌جای ظاهر سازی، عوامفریبی، نزن‌دن‌های مرسوم یا ظن‌همراه سکوت پیشه کرده در مقطعی منتقد اوضاع عمومی کشور باشیم، به‌عنوان یک شهروندی کوچک از جامعه بزرگ ایران، همت کنیم ونهنا خودمان همانی باشیم که باید می‌بودیم.به تعبیری دیگر، با همتی بلند و فایده‌گیری آرمان‌های انقلاب، به‌درستی در جایگاه اصلی خود ودر کنار دیگر شهروندان قرار می‌گیرد ودر حد بضاعت وتوان خود برای رفع موانع توسعه و پیشرفت کشور و همچنین بهبود وضع موجود تلاش می‌کنند.بدین صورت، شکل گرفتن تصویری مطلوب ودل‌انگیز از این انقلاب، به‌دستی یافتنی است ودور از انتظار نخواهد بود. ان‌شا‌الله

بعدها در جنگ ایفا کرد. اساسی‌ترین نکته در این بسیج نیروهای مردمی این امر بود که آنها در اغلب موارد به صورت خودجوش سازماندهی می‌شدند. انقلاب از آن مردم بود وپس از آن نیز خود مردم تلاش کردند که آن را حفظ کرده وكشور با آباد کنند. «ما به‌جراتکای صادقانه وحقیقی به مردم کردیم، این بخش آباد شد وجهاد از جمله این بخش‌ها بوده ودر جنگ تاموقعی که به مردم اتکانداشتیم فقط به همان نیروهای دارای چهارچوب ونام مشخص چند تا لشکر وتپ وکادرهای نظامی متکی بودیم، جنگ به صورت اوایل جنگ ادامه داشت، اما به مجرد اینکه با مردم به جبهه‌ها باز شد ودشت‌ها و بیابان‌ها وکوه‌ها وسنگرها از نیروهایی که جنگ از آنها مطالبه مسئولیت و کار می‌کرد، پر شد، ناگهان وضعیّت جنگ زی‌رو رو شد.» (مجموعه مصاحبه‌های حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در دوران ریاست جمهوری، ج ۳، ص ۳۳۰). همین بسیج مردمی بود که باعث شد تمام معادلات جنگ به ناگهان تغییر کند ونیروهای انقلابی بتوانند در جبهه‌ها وپشت جبهه‌ها دست به اقداماتی منحصر به‌فرد بزنند؛ اقداماتی که نتوانست جنگ را به صحنه ابتکارات و خلاقیت‌های نیروهای جهاد تبدیل سازد.

■ شهدای جهادسازندگی در مناطق محروم

صدا صدیقی آشکار روحیات ابتراگرگی نیروهای جهاد سازندگی، شهدای آن هستند. شهدای جهاد را می‌توان به دو گروه تقسیم کرد: شهدای پیش از جنگ وشهدای پس از جنگ. بر خلاف تصور بسیاری، شهدای جهاد منحصر به دوران جنگ تحمیلی نمی‌شود و جهاد سازندگی از همان بدو تأسیس با خشونت‌های بسیار از سوی افراد ضدانقلاب و دیگر عناصر وابسته به رژیم سابق در روستاها و مناطقی که خدمت می‌کردند درگیر بود. ضد انقلاب در بسیاری از روستاها در میان خوایین بودند و مال واملاک بسیاری در آن مناطق داشتند که به راحتی از آنها نمی‌گذشتند و به درستی می‌دانستند که با آباد شدن روستاها به دست جهادگران، موقعیّت اجتماعی آنان از میان خواهد رفت، که از میان هم رفت. در نتیجه بسیاری از نیروهای جهاد قربانی خشونت‌ها وسعیات‌های این گروه‌ها می‌شدند وبه شهادت می‌رسیدند.

انقلاب اسلامی نقطه عطف مبارزات استقلال طلبانه

امام‌مان(ره) «پیروزی انقلاب را رهبن همه ملت- صحیفه امام(ره) - ج ۱۴ - ص ۶۴ - می‌دانست؛ مدیون همان ملتی که معتقد بود «از ملت حجاز در عهد رسول‌الله(ص) و کوفه و



دکتر صادق صدقگو

عراق در عهد امیرالمؤمنین(ع) وحسین‌بن‌علی(ع)» همان - ج ۲۱ - ص ۴۱۰ - بهتر هستند. ملتی که او خود را «خمت‌گزار» - همان - ج ۱۰ - ص ۴۶۳ - آنها می‌دانست واز این‌رواز مسئولان نیز می‌خواست که «با عملشان کاری کنند که مردم آن سختی‌ها وزوگرایی‌های سابق را از یاد ببرند و با رفتار و محبت‌شان این ذائقه‌های تلخ را شیرین کنند.» همان - ج ۱۳ - ص ۳۷۱

انقلاب اسلامی ایران، نقطه عطف مبارزات استقلال طلبانه، آزادی‌خواهانه و ضد استبدادی و ضد استعماری ملتی سرافراز است که شور وشعور را با هم درآمیخت تا در پرتو استقامت مدبرانه، عدالت‌محوری منصفانه، اخلاق‌مداری صادقانه و علائیت متعهدانه، نظاره‌گر آرامش وپیشرفت، آزادی وامنیت، استقلال وجمهوریت در جامعه‌ای طاغوت‌زده وطبقاتی باشد که محرومیت‌زدایی و حمایت از مستضعفین، مبارزه با شاخصه‌های فساد سیستماتیک و تبعیض‌زدایی، در حد یک شعار ظاهری وزینتی باقی مانده بود. نه در این‌که اهداف وآرمان‌های انقلاب شکوهمند ملت ایران، والا ودر عین حال دست‌یافتنی بود، شک داریم نه تردید داریم مکانی که امروز در آن ایستاده‌ایم، مقصد غایی ومقصود نهایی ما نبوده ونیست، اما این موضوع، ذرفای از بار تعهد ومسئولیت‌پذیری اجتماعی ما در تالش برای رفع موانع جاری واصلاح وضع موجود نمی‌کاهد. مسئولیتی که رئیس وعضوس، دولت وملت، شهروند وکارمند نمی‌شناسد. این حس مسئولیت‌پذیری برای اصلاح کژی‌ها، یعنی همان «تعهد انقلابی» که بنیانگذار جمهوری اسلامی حضرت امام خمینی (ره) نیز معتقد بود: «امروز مسئولیت‌پذیری که است که در کاری که مشغول آن است مسئولیت کند، در آن کار بیگاری کند یا وادار کند اشخاصی را که آنها کم‌کاری کنند، از زیر بار شانه خالی کنند که این ضربه‌ای است به کشور خودشان.» همان - جلد ۱۲ - ص یعنی «ضد انقلاب»هایی در لباس «شبه‌خودی» یا شاید به‌قول معروف «گرگی در لباس میش.» خودی،نعمانی‌هایی که شاید معاند، مخالف ومغرض نیستند وحتی در کنارمان باشند یا اصلاً گهگاهی در وجود خودمان نهاده‌ینه شده باشد اما همه ما نمی‌دانیم که با کم‌رنگ شدن حس مسئولیت‌پذیری و وجدان کاری با همان «تعهد انقلابی»، به چه سادگی تبدیل به یک ضد انقلاب می‌شویم.پس از گذشت ۲۲ سال از استقرار نظام جمهوری اسلامی، برخی با همین بی‌مسئولیتی‌ها و بی‌تفاوتی‌ها یا کم‌کاری‌ها و سستی‌ها، به‌قول معروف آئی نبوده‌و نیستند که باید باشند واین رویه راحتی در جامعه ایجاد ناراحتی وناراضیتی می‌کنند. از رئیس و مدیر تا کارمند وشهروند عادی جامعه، می‌توانند با رفتارشان - خواسته یا ناخواسته - برخی از اهداف وآرمان‌های اولیه انقلاب اسلامی را به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم هدر افرا داده ونهایتاً با ایجاد بی‌اس، دلخوری، سرخوردگی ونامیدی در دل وجان این مردم رنج‌کشیده اما صبور ومقاوم، ماهیت اصلی انقلاب را - که متکی بر حضور متعهدانه ومسئولانه ملت است - دچار استحاله وتغییر کرده وموریا نه‌وار «محور همه اصول وقواعد انقلاب وپامان(ره)» را از درون تهی کنند.تیشه‌هایی که هر ضریبتی می‌تواند از جنس «فریاد خاوهوشی» باشد که با فرایگر شدن آن به‌مرور زمان، آرمان‌ها واصل واهداف شاخص انقلاب اسلامی شکل وشمالی دیگری به خود گیرد واین قلب ماهیت نیز نبوت ملی ومیهنی ما را دستخوش تغییراتی اساسی خواهد کرد.

انقلابی‌نمایی با انقلابی گری تفاوت دارد. همان‌طور که منفعت‌گرایی و فرصت‌طلبی، فرسنگ‌ها با اخلاق مداری و ارزش‌گرایی فاصله دارد؛ برای حرکت بی‌وقفه به‌سوی تقویت وترویج آرمان‌ها واهداف والا انقلاب اسلامی، لازم است هرکس در هر جایگاهی به‌عنوان یک «انقلابی حقیقی» در حد توانمند، مسئولیت و مأموریتی خود برای رفع نواقض جاری ومشکلات موجود تلاش کند. تلاش وكوششی به منظور نیل به «آنچه که باید باشیم» که زمان ومکان نمی‌شناسد و هدف نهایی آن، تشکیل مدینه فاضله‌ای است که آرمان انقلاب اسلامی و آرزوی ملت شریف ما بوده است. مسئولیت اجتماعی یا همان تعهد انقلابی به ما می‌گوید انقلابی نما نباشیم واگر به‌جای ظاهر سازی، عوامفریبی، نزن‌دن‌های مرسوم یا ظن‌همراه سکوت پیشه کرده در مقطعی منتقد اوضاع عمومی کشور باشیم، به‌عنوان یک شهروندی کوچک از جامعه بزرگ ایران، همت کنیم ونهنا خودمان همانی باشیم که باید می‌بودیم.به تعبیری دیگر، با همتی بلند و فایده‌گیری آرمان‌های انقلاب، به‌درستی در جایگاه اصلی خود ودر کنار دیگر شهروندان قرار می‌گیرد ودر حد بضاعت وتوان خود برای رفع موانع توسعه و پیشرفت کشور و همچنین بهبود وضع موجود تلاش می‌کنند.بدین صورت، شکل گرفتن تصویری مطلوب ودل‌انگیز از این انقلاب، به‌دستی یافتنی است ودور از انتظار نخواهد بود. ان‌شا‌الله

«